

The "Nature" of Social History: A Reflection

Mohammad Jalal Makhani*
Alireza Mollaiy Tavany**

Abstract

Social history" is one of the famous branches in historical studies and this article seeks to present a definition of it. The "nature" of social history in historical studies has always been the focus of scholars in the field, while examining this with a conceptual and theoretical approach can provide a basis for an accurate understanding and also a conceptual framework for those who think about it; because the breadth of the field and its lack of definition has always caused misunderstandings. Having said that, the importance of social history demands more attention to such researches. This research seeks the question of "what social history is?". To answer the question, we will try to present a history of the rise of social history and the afore-mentioned approach in historical studies, so that the concept of this interdisciplinary knowledge becomes more apparent. In this article, after presenting the definitions and a history of social history, the main streams of social history and its disciplines and sub-disciplines that constitute it, together with the constituent elements of social history, as well as the positions of scholars against these elements, have been examined

Keywords: Social History, Historiography, History, Social Narrative, Social

* PhD Candidate in History of Iran, Institute for Humanities and Cultural studies (Corresponding Author), M.J.Makhani@gmail.com

** Professor in History of Iran, Institute for Humanities and Cultural studies, mollaiynet@yahoo.com

Date received: 22 /08/ 2023, Date of acceptance: 23 /12/ 2023



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دوفصلنامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال ۱۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، ۴۱-۷۶

تأملی در «چیستی» و «ماهیت» تاریخ اجتماعی

محمد جلال ماخانی*

علیرضا ملایی توانی**

چکیده

تاریخ اجتماعی یکی از شاخه‌های مشهور در مطالعات تاریخی است و این مقاله در پی ارائه تصویری از چارچوب دانش تاریخ اجتماعی است. اگرچه «چیستی» و «ماهیت» این دانش همواره مورد توجه دانشوران این حوزه بوده است، با این حال به نظر می‌رسد که بررسی این مسئله با رویکردی مفهومی-نظری می‌تواند زمینه‌ای را برای تفاهم و تحدید این مفهوم از برای اهل نظر فراهم آورد. گسترده‌گی این حوزه و نیز تعریف‌گریزی آن، همواره، کژفهمی‌هایی را موجب شده و از همین روی، می‌کوشیم تا ضمن بررسی و تحلیل تعاریف موجود به سنخ‌شناسی آن‌ها و نیز مقولات موجود در تاریخ اجتماعی بپردازیم. این پژوهش در پی این سؤال است که براساس تاریخ اجتماعی چیست؟ برای پاسخ به این پرسش ضمن ارائه تاریخچه برآمدن تاریخ اجتماعی، برای درک زمینه‌های این دانش، به کاوش در «چیستی» و «ماهیت» این رهیافت با توجه به تعاریف موجود از سوی صاحب‌نظران این عرصه می‌پردازیم. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی آبشخورهای اصلی رشته‌ها و زیررشته‌های تشکیل‌دهنده تاریخ

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) M.J.Makhani@gmail.com

** استاد پژوهشکده تاریخ ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. mollaiynet@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۵/۳۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲



اجتماعی، عناصر تشکیل‌دهنده و نیز مواضع صاحب‌نظران مشهور را در مقابل این مقولات نشان می‌دهد و تصویری مفهومی-نظری از این دانش ترسیم می‌کند.

کلیدواژه‌ها: تاریخ اجتماعی، تاریخ‌نگاری، تاریخ، روایت اجتماعی، اجتماعی

۱. مقدمه

طرح بحث در این مقاله را می‌توان با این پرسش آغاز کرد که آیا، اساساً، مقوله مستقلی به نام «تاریخ اجتماعی» وجود دارد یا تاریخ اجتماعی همان «روایت‌های اجتماعی» موجود است؟ دشواری پاسخ به چنین تعریفی پیش‌تر نیز مورد توجه برخی از صاحب‌نظران بوده است (برای نمونه بنگرید به Hobsbawm, 1971:20-25, Joyce, 2010 و موسی‌پور، ۱۳۸۶: ۱۴۱). بدیهی‌ست که پاسخ ما به این پرسش مثبت است و برای پاسخ به این پرسش ناگزیریم تا با بررسی تعاریف پیش‌گامان این عرصه مقولات موجود در تاریخ اجتماعی را واریسی کنیم. پیش از ورود به بحث، این توضیح بایسته است که در حال حاضر، تاریخ اجتماعی گونه‌ای مجزا با روش‌شناسی و ادبیات خاص خود است که در پی فهم اجتماع، امر اجتماعی و تغییرات آن است. البته این نکته حائز تذکر است که در به‌کارگیری عنوان تاریخ اجتماعی برای «روایت‌های اجتماعی» می‌بایست کمی احتیاط کرد، چرا که روایت‌های اجتماعی موجود را نمی‌توان، صرفاً، تاریخ اجتماعی در معنای دقیق کلمه دانست: روایت‌های اجتماعی مواد تشکیل‌دهنده تاریخ اجتماعی هستند و نه خود آن.

در تلقی عمومی از تاریخ، تاریخ سیاسی و یا انواع مشهور تاریخ هیچ اعوجاجی در خصوص درک این معانی وجود ندارد؛ در واقع صفت‌هایی مانند سیاسی، دیپلماتیک، نظامی و... که پس از واژه تاریخ می‌آیند چیزی شبیه فصل^۱ در علم منطق هستند و با محدودسازی دامنه مطالعه موردنظر موضوع را برای ما روشن‌تر می‌سازند، در حالی که صفت اجتماعی در کنار تاریخ چنین وضعیتی ندارد، زیرا نه تنها دامنه پژوهش را محدود نمی‌کند، بلکه معانی بیشتری را به ذهن متبادر می‌سازد، بدین سبب که تاریخ اجتماعی برخلاف انواع پیشین^۲ در حوزه‌های مختلفی به غور و تفحص می‌پردازد.

برای آگاهی از تعاریف مرسوم تاریخ اجتماعی دو گونه تعریف در بخش آتی نقل شده است، یکی تعاریف دانشنامه‌ای و کلی‌تر از این مقوله که با ارجاع به دانشنامه بریتانیکا (*Encyclopædia Britannica*) و گروه تاریخ دانشگاه شیکاگو (University of Chicago) نقل شده‌اند و عمدتاً تعریفی عمومی‌تر به حساب می‌آید و در بخش دوم تعاریفی از صاحب‌نظران نامدار تاریخ اجتماعی نقل شده که تعاریفی دقیق‌تر و اختصاصی‌تر از این مقوله هستند. در میانه تعاریف بسیار فراوان و گاه متناقض انتخاب چند نمونه بسیار دشوار است، با این حال تعاریفی از کسانی مانند پیتر استرنز (Peter N. Stearns 1936-)، ویراستار آثار سترگی مانند دانشنامه تاریخ اجتماعی (*Encyclopedia of Social History*) و دانشنامه تاریخ اجتماعی اروپا (*Encyclopedia of European Social History*)، اریک هابسبام (Eric J. Hobsbawm 1917-2012)، مورخ نامدار بریتانیایی و برخی از مورخان مشهور این عرصه را برگزیدیم و کوشیدیم که تا حد ممکن این تعاریف با یکدیگر متفاوت باشند تا طیف بیشتری را در برگیرند.

۲. پیشینه پژوهش

تورج اتابکی طی مصاحبه‌ای در تعریف تاریخ اجتماعی آن را دارای سه شناسه معرفی می‌کند: "اعتراضات گروه‌های فرودست"، "فعالیت اجتماعی انسان‌ها" و "تاریخ اقتصادی" (کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ۱۳۸۲: ۸). داریوش رحمانیان تاریخ اجتماعی را ناظر به دو معنای جدا و گوناگون می‌داند: "پژوهش مورخ بر پایه دیدگاه اجتماعی" و "شعبه‌ای مستقل در دانش تاریخ" (کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ۱۳۸۶: ۴). ابراهیم موسی‌پور در مقاله «تاریخ اجتماعی: رویکردی نوین به مطالعات تاریخی» به بررسی و تعریف این مقوله پرداخته است، که در سطور آتی به آن می‌پردازیم (بنگرید به موسی‌پور، ۱۳۸۶). موسی‌پور طی مصاحبه‌ای با اشاره به تاریخ مردم ایران زرین‌کوب را در شمار نخستین پیشگامانی معرفی می‌کند که به تاریخ اجتماعی التفاتی داشته است (بنگرید به مردم‌نامه، ۱۳۹۸: ۱۵۴). هم‌او دو اثر تاریخ اجتماعی: دانش روش، آموزش (۱۳۹۴) و تاریخ اجتماعی: مسائل راهبردها و روش‌ها (۱۳۹۴) را به همراه محمدابراهیم باسط گردآوروی و ترجمه کرده است و رهیافت به فرد و داده‌های فردی در مطالعات تاریخ اجتماعی (۱۴۰۰) جدیدترین

اثر او در این زمینه است. در کنار آثار بالا صفورا برومند در سال ۱۳۹۱ طرحی را با نام «ممیزی تاریخ اجتماعی در ایران» به انجام رسانیده است که بخشی از آن در مقاله «آسیب‌شناسی آموزش تاریخ اجتماعی در نظام آموزشی عالی ایران» قابل مطالعه است. و در پایان دو مجله تحقیقات تاریخ اجتماعی از سال ۱۳۹۰ و پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی از سال ۱۳۹۱ دو مجله‌ای هستند که مقالات فراوانی را در حوزه‌های مختلف تاریخ اجتماعی به طبع می‌رسانند (بنگرید به <https://socialhistory.ihcs.ac.ir> و <https://economichistory.ihcs.ac.ir>).

۳. تعاریف

بنا بر تعریف دانشنامه بریتانیکا "تاریخ اجتماعی، شاخه‌ای از تاریخ است که به جای امور مرتبط با [ساختارهای] دولت [یا قدرت یا حکومت] بر ساختارهای اجتماعی و کنش‌های متقابل گروه‌های مختلف جامعه تاکید می‌کند. این رشته با اشتقاق از تاریخ اقتصادی در دهه ۱۹۶۰ میلادی ایجاد شد. تمرکز نخستین تاریخ اجتماعی بر گروه‌های اجتماعی محروم بود، اما به تدریج توجه آن به طبقه متوسط و بالا نیز جلب شد. تاریخ اجتماعی در قامت یک رشته، عمدتاً، از یک سو با تاریخ اقتصادی (Economic History) و از سوی دیگر با جامعه‌شناسی (Sociology) و قوم‌شناسی (ethnology) پیوند دارد." (<https://www.britannica.com/topic/social-history>)

در پایگاه اینترنتی گروه تاریخ دانشگاه شیکاگو آمده است: "تاریخ اجتماعی رشته‌ای است که در میانه سده بیستم میلادی در واکنش به رشته‌های قدیمی‌تر تاریخ از جمله تاریخ سیاسی، تاریخ دیپلماسی، تاریخ مردان بزرگ—مطالعاتی که به سبب تمرکز بر نخبگان نتوانستند به تجربیات تاریخی جامعه پردازند—ظهور کرده است." (<http://history.uchicago.edu/content/social-history>).

پیتر استرنز، استاد دانشگاه جورج میسون (George Mason University) و از پیش‌گامان تاریخ اجتماعی نوین، در مدخل تاریخ اجتماعی (Social History) در دانشنامه تاریخ اجتماعی، در تعریف پایه‌ای از تاریخ اجتماعی معتقد است: "مورخان اجتماعی، بیش از توصیف‌گری بر مبنای رویدادها (شیوه توصیف رویدادمحور) بر فرایند تحول (مانند

رواج معیار تازه‌ای برای تعیین نرخ موالید) تأکید کرده‌اند." (استرنز، ۱۳۹۴: ص ۳۰)، هم‌چنین او در مقدمه *دانشنامه* دو نکته را متذکر می‌شود: الف. مورخان اجتماعی در پی نشان‌دادن تاریخ پرغنا‌ی گروه‌های اجتماعی دورافتاده از قدرت هستند؛ ب. طیف گسترده‌ای از رفتارهای اجتماعی و اندیشه‌های مختلف — و نه، صرفاً، سیاست و اندیشه در معنای مرسوم آن — شکل‌دهنده تاریخ اجتماعی هستند (see in Stearns, 1993: Introduction).

اریک هابسبام (Eric J. Hobsbawm 1917-2012) در مقاله‌ای با عنوان از تاریخ اجتماعی به سوی تاریخ جامعه (*From Social History to the history of Society*)، معتقد است که اصطلاح تاریخ اجتماعی تداعی گر سه معنا در ذهن ماست: الف. مقولاتی چون فرودستان، طبقات فرودست و یا جنبش فرودستان؛ ب. ارجاع به طیف متنوعی از آثار مرتبط با کنش‌های انسانی، از جمله شیوه‌ها، رسوم و زندگی روزمره؛ پ. تاریخ اجتماعی آمیخته به تاریخ اقتصادی. هم‌چنین هابسبام مضامین موجود در تاریخ اجتماعی را به ۶ دسته تقسیم می‌کند:

- ۱- جمعیت‌شناسی و نسب‌شناسی (*Demography and kinship*) (also see in Gutman, 1994: 255-257)
- ۲- مطالعات شهری (*Urban Studies*)
- ۳- طبقات و گروه‌های اجتماعی (*Classes and Social Groups*)
- ۴- تاریخ «ذهنیت» (*mentalities*) یا آگاهی جمعی یا «فرهنگ» در معنای مردم‌شناسانه آن (also see in Lindeman, 1994: 608-612)
- ۵- تحولات اجتماعی (مانند مدرن‌سازی و صنعتی‌سازی) (also see in Rozman, 1994: 664-666 and Hanagan, 1994: 455-459)
- ۶- جنبش‌های اجتماعی و پدیده اعتراضات اجتماعی (Hobsbawm, 1971: 32-33).

مجله هیستوری تودی (*History today*) در مقاله‌ای با عنوان "تاریخ اجتماعی چیست؟" (*What is Social History?*) این سؤال را از هفت مورخ پرسیده است.^۳ رافائل ساموئل می‌گوید: "تاریخ اجتماعی نه تنها بازتاب دهنده علائق عمومی است، بلکه

باعث خلق آن نیز می‌شود. از همین‌رو، «ارزش‌ها (Values) ی ویکتوریایی» در حدود یک دهه پیش از برآمدن مارگارت تاچر (Margaret Thatcher 1925-2013) و تصاحب آن از طرف برنامه انتخاباتی حزب او به دست علاقه‌مندان به سده نوزدهم میلادی بازسازی می‌شود. در نگاه او تاریخ اجتماعی به جای انتزاعیات (abstractions) به "زندگی واقعی" ("real life") و به جای نخبگان ممتاز به افراد "معمولی" ("ordinary") و به جای رویدادهای مهیج به امور روزمره می‌پردازد. (Samuel. 1985).

در نگاه هاپکینز "تاریخ اجتماعی توده متراکم و کورکورانه‌ای از وقایع نیست (و یا نباید باشد). تاریخ اجتماعی باید متفکرانه باشد: داستانی اخلاقی، نوشته و یا جستاری بر اساس سرگذشت فکری. "تاریخ اجتماعی از این‌رو می‌بایست فکورانه باشد، چون ما گذشته را با حال تفسیر می‌کنیم. او با ارجاع به نقل قول مشهور بندتو کروچه (Benedetto Croce 1866-1952) که گفته "همه تاریخ، تاریخ معاصر است." خاطر نشان می‌کند که گذشته همواره نیاز به بازنویسی دارد. "ما به گذشته نگاه می‌کنیم و به ناچار درباره خودمان چیزی می‌نویسیم."^۴ (Samuel. 1985).

جان برویلی ضمن اذعان به گستردگی و دشواری ارائه تعریفی از این مقوله به سه دیدگاه بسیار متفاوت در این خصوص اشاره می‌کند:

الف: تاریخ آداب و رسوم، سرگرمی‌ها و طیف وسیعی از فعالیت‌های اجتماعی است که در خارج از نهادهای سیاسی، اقتصادی و نظامی که دغدغه خاطر نوعی خاص از تاریخ بود، صورت می‌پذیرد.

ب: تاریخ جامعه‌محور (Societal History)، این طرز تفکر این‌گونه است که انواع خاص تاریخ، اعم از تاریخ سیاسی، اقتصادی و نظامی هر کدام تنها یک جنبه از تاریخ را مطالعه می‌کنند و برای درک کلیت جامعه نیازمند گردآوری انواع تاریخ در یک چارچوب واحد هستیم و این امر وظیفه تاریخ جامعه‌محور است.

پ: تاریخ افراد جامعه به جای تاریخ یک "جامعه به عنوان یک کل" ("society as a whole").

در نگاه یونگرز در تاریخ اجتماعی کنونی میل به داده‌های قابل سنجش افزایش یافته است و ظهور تکنولوژی‌های جدید نیز نقش بسیاری داشته‌اند. در نگاه او یکی از نقاط قوت تاریخ اجتماعی امروزی، کوشش متخصصان در زمینه‌هایی مانند تاریخ قانون و به‌کارگیری آن، پزشکی، صنعت، بازرگانی، حمل و نقل و... است. (Samuel. 1985).

دیوید کانادین مشهورترین و مورد انتقادترین تعریف از تاریخ اجتماعی را از آن جی. ام. ترولین (G.M. Trevelyan) می‌داند که از نگاه او عبارت است از "تاریخ مردم با کنار گذاشتن سیاست." دیدگاه وی به سبب عدم آشنایی وی با نظریه اجتماعی انتقاد بسیاری را برانگیخته است. با این که امروزه بیشتر مورخان اجتماعی به‌طور ضمنی و یا صراحتاً تعریف وی را رد می‌کنند، اما کسانی که کتاب وی را به دقت مطالعه می‌کنند، از وسعت بینش و روزآمدی ادراک او از موضوع به وجد می‌آیند. در نظر او تاریخ اجتماعی شامل روابط انسانی و اقتصادی طبقات مختلف، مشخصه‌های زندگی خانوادگی، شرایط کار، نگرش انسان نسبت به محیط و نیز تأثیر همه این امور بر فرهنگ یعنی دین، معماری، ادبیات، موسیقی، اندیشه و... است. کانادین مشکل اصلی در تعریف چستی تاریخ اجتماعی را فقدان یک مرکزیت فکری و منسجم می‌داند؛ مثلاً تاریخ سیاسی به قدرت می‌پردازد و تاریخ اقتصادی به پول، پس تاریخ اجتماعی نیز مطالعه‌ای دربارهٔ طبقه است؟ اگر پاسخ مثبت باشد، طبقه چیست؟ آیا هیچ توافق نظری در این زمینه وجود دارد؟ (Samuel. 1985)

ریموند هریسون در تعریف تاریخ اجتماعی می‌گوید: افراد کمی هستند که بدانند تاریخ اجتماع چیست؟ اما در مورد آنچه نیست، اتفاق نظر دارند. زندگی‌نامه دربارهٔ یک نفر است، اما تاریخ اجتماعی دربارهٔ بیش از یک نفر است. بعلاوه دربارهٔ کسانی است که ناشناخته بوده‌اند و فاقد اهمیت سیاسی هستند. واپسین نقل از این مقاله، پاسخ‌های جی. سی. دی کلارک است. در نظر او سیاست، تاریخ سیاسی، جنگ و تاریخ نظامی و کلیسا تاریخ دینی را تولید می‌کند. با این مقدمه، اما، "تاریخ اجتماعی" اصطلاحی بسیار وسیع است. استفاده از کنش "اجتماعی" برای تعریف یک گونه بسیار کلی است (Samuel. 1985).

اریک. جی. ایوانس (Eric J. Evans)، در مقاله‌ای با عنوان تاریخ اجتماعی (Social History) ضمن اشاره به بحران هویتی تاریخ اجتماعی در سده بیست و یکم میلادی، خاطرنشان می‌کند که نیمه دوم این سده دوران شکوفایی تاریخ اجتماعی در برنامه‌های درسی و تاریخ‌نگاری بوده است. https://archives.history.ac.uk/makinghistory/themes/social_history.html.

در نگاه او، تاریخ اجتماعی که گاه "تاریخ مردم" ("History of the people") یا "تاریخ از پایین" ("History from Below") معرفی می‌شود، به مثابه جایگزینی برای تاریخ متعارف سیاسی است. تاریخ اجتماعی در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم به‌ویژه از سوی ادوارد تامپسون (Edward Thompson) و در گروه‌های تاریخ اجتماعی و اقتصادی بسیار تکثیر شد.^۷

پاتریک جویس در مجله گذشته و آینده (*Past & Present*)، طی مقاله اجتماعی در تاریخ اجتماعی چیست؟ (WHAT IS THE SOCIAL IN SOCIAL HISTORY?) به جای ارائه تعریفی از تاریخ اجتماعی در جستجوی توضیح اجتماعی برآمده است و این مقاله زمینه‌های آغاز و نیز تفاوت‌های تاریخ اجتماعی و تاریخ فرهنگی را برشمرده است، این مسئله خبر از پیشگامی او در برابر دیگر هم‌قطارانش است (See in: Joyce. 2010). کریستوف کنراد (C. Conrad) اصطلاح تاریخ اجتماعی را از یک سو "رشته‌ای فرعی از علوم تاریخی" و از سوی دیگر "رویکردی عام به تاریخ" می‌داند (بنگرید به کنراد، ۱۳۹۴: ۳۶). یورگن کوکا (Jurgen Kocka) هم مانند کنراد دو معنا را از تاریخ اجتماعی درک می‌کند:

الف: تاریخ اجتماعی به مثابه یک زیر-رشته تخصصی که بر ساختارها، فرایندها و کنش‌های اجتماعی به معنایی خاص تمرکز دارد، در مقابل زیر-رشته‌های دیگری مانند تاریخ اقتصادی، تاریخ قوانین اساسی یا تاریخ اندیشه‌ها.

ب: تاریخ اجتماعی به مثابه رهیافتی مشخص یا شیوه نگریستن به تاریخ عمومی، با تاکید بر ساختارها و فرایندهای گسترده و همچنین آن دسته از سویه‌های واقعیت تاریخی که تاریخ اجتماعی در معنای بالا به آنها اهمیت می‌دهد (کوکا، ۱۳۹۴: ۶۰ و ۶۱).

واپسین تعریف از تاریخ اجتماعی متعلق به ابراهیم موسی پور بشلی است. موسی پور یکی از دغدغه‌مندان تاریخ اجتماعی نوین در ایران است و تاکنون آثار فراوانی را در این زمینه ترجمه و تألیف کرده است. بنا بر تعریف او، به طور کلی تاریخ اجتماعی سه حوزه روابط مردم با مردم، مردم با حکومت و مردم با زیست جهان مادی - معنویشان را بررسی می‌کند (موسی پور، ۱۳۸۶: ۱۴۷-۱۴۳).

در واقع، در پایان تعاریف مورد اشاره در خصوص تاریخ اجتماعی نظرهای گوناگون در خصوص تعریف این پدیده را می‌توان بدین‌سان صورت‌بندی کرد: تعاریف موجود دارای چند اصل هستند. الف) نفی امر سیاسی ب) درک امر اجتماعی پ) تأکید بر جنبه‌های اجتماعی (روایت اجتماعی) ت) تأکید بر امور کمی؛ به شرح زیر:

ر	رهیافت تاریخ اجتماعی	ساموئل	هاپک	بروید	یونگ	کاناد	هریسو	کلار	شیکا	ایوان	بریتان	موسی پور
۱	نفی امر سیاسی	*	*	*	*	√	*	*	√	√	√	*
۲	درک امر اجتماعی	*	*	√	*	*	*	√	*	*	*	√
۳	تاکید بر جنبه‌های اجتماعی (روایت اجتماعی)	√	√	*	*	*	√	*	*	*	*	√
۴	تاکید بر امور کمی	*	*	*	√	*	*	*	*	*	*	√

جدول شماره ۱: ابعاد اصلی در تعاریف موجود در تاریخ اجتماعی

۴. برآمدن یک تاریخ‌نگاری نوین

تا پیش از برآمدن گونه‌های جدید تاریخ‌نگاری در غرب، تاریخ سیاسی و دیپلماتیک مهم‌ترین تاریخ‌نگاری موجود بوده‌اند. تاریخ‌نگاری سیاسی، نظامی و دیپلماتیک پرجمع‌ترین و معمول‌ترین نوشته‌های تاریخی را شامل می‌شدند، ذیل مقوله «برخورد» طبقه‌بندی می‌شده‌اند، لازم به توضیح نیست که تمامی گزارش‌های تاریخی از یونان باستان تا فون رانکه (Leopold von Ranke 1795-1886) و از فون رانکه تا آنالها (The

Annales/ Les Annales)ی فرانسوی برخوردارهای قومی، دینی، ملی و ... به برخورد دو نیرو می‌پردازد (بنگرید به موسی پور، پیشین: ۱۴۴). در این میانه شاید رهیافتِ رانکه‌ای وقته (Moment) ای مهم برای تاریخ و تاریخ‌نگاری باشد. در مقابل، بر اساس دانسته‌های ما تاریخ اجتماعی را می‌توان ذیل مقولهٔ «تعامل» طبقه‌بندی کرد، تعاملی بینارشته‌ای (Interdisciplinary) برای درک، توضیح و تبیین تحولات و تغییرات اجتماعی. (also see in Stoianovich, 1994: 48-50)

در دوران پس از وستفالی (Peace of Westphalia 1648) که به مرور دولت-ملت (State-Nation)ها شکل گرفتند، توجه به تاریخ سیاسی، مدام، افزایش یافت، چرا که تاریخ‌نگاری با رجوع به گذشته همواره این نقش را داشته تا راهی را برای آیندهٔ دولت ملی و یا مقتدر و بعدتر دولت‌های اقتدارگرا (Authoritarianism) فراهم آورد. توجه و علاقهٔ بسیاری از رهبران اقتدارگرا به تاریخ—البته تاریخی التقاطی در راستای قدرت‌گیری و سرکوب مخالفان، از جمله ناپلئون بناپارت (Napoléon Bonaparte 1769-1821) و یا دستورهای استالین (Stalin 1878-1953) در خصوص تاریخ‌سازی برای جوامع شرقی در «مباحثات لنینگراد»^۱ و...—مؤید این مدعاست. تاریخ‌نگاری سیاسی پیوند وثیقی با مناسبات دولت-ملت دارد و طبیعی است که در حین تکوین و قوت‌یابی دولت-ملت تاریخ‌نگاری به مدد آن تعجیل کند و متقابلاً دولت-ملت بر شالودهٔ تاریخ و تاریخ‌نگاری قوام یابد.

طبیعتاً، تاریخ‌نگاری اجتماعی بر اساس ماهیت اجتماعی و نیز ابناء آن بر امر اجتماعی، پس از هویدا شدن مناسبات دولت-ملت و برآمدن امر اجتماعی ظهور و بروز یافت؛ یعنی، اساساً، امکان تأسیس تاریخ اجتماعی تا پیش از استقرار دولت‌های ملی وجود نداشت، زیرا با استقرار دولت‌های ملی است که سوژهٔ اجتماعی (درون مناسبات دولت-ملت) شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، پیوستگی با جامعه یا پذیرفته‌شدن در جامعه که با تبدیل رعیت به شهروند صورت گرفت، دروازهٔ ورود مردمان به مناسبات اجتماعی جدید برای خلق امر اجتماعی بوده است، روندی شبیه آئین غسل تعمید (Baptism) مسیحیان که در جریان آن مولود و یا نوکیش (Convert) مسیحی به جرگهٔ امت عیسوی می‌پیوندد.

در تاریخ‌نگاری‌های پیش از سدهٔ بیستم میلادی، مرجعی در تاریخ معرفی می‌شد: گاه یک قومیت (مانند قوم یهود برای یهودیان) و گاه یک مرجع دینی (مانند امت مسلمان برای

مسلمانان) و یا یک جغرافیای خاص (ارض موعود)، اما از سده بیستم میلادی به بعد کلیه این امور با دولت-ملت جایگزین شدند. در واقع، تاریخ و تاریخ‌نگاری اجتماعی پس از چند جابجایی بود که در سپهر سیاسی جهان غربی پدیدار شد:

الف: تبدیل رعیت به شهروند

ب: برآمدن امر اجتماعی در مقابل امر سیاسی

پ: امکان کنشگری مردم به جای نخبگان

ت: تبدیل سلطنت به جمهوری

تبدیل سلطنت به جمهوری در فرانسه و نیز تحولات استقلال‌طلبانه آمریکا نخستین نمونه‌های کنشگری مردم و یا به عبارت صحیح‌تر توده‌های مردمی در برابر نظام سیاسی بوده‌اند. آغاز جمهوری و برگزاری انتخابات عمومی "برای نخستین بار تعارض میان حاکمیت برابر همگان و وضعیت مدنی نازل و غم‌بار عده‌ای را آشکار ساخت؛ تعارض میان حال و روز کسانی که به تازگی به ظرفیت سیاسی دست یافته بودند و وضعیت شبه‌بردگی اقتصادی‌ای که در آن به سر می‌بردند." (دونزلو، ۱۳۹۵: ۶۷) و جالب این‌که در همین دو نقطه یعنی فرانسه و آمریکا نخستین ریشه‌های علاقه به تاریخ اجتماعی نیز پدیدار شدند.

هم در فرانسه و هم در آمریکا چشم‌انداز نوینی برای این دو ملت تعیین یافته بود، بنابراین تاریخ‌نگاری نوینی نیز زاده شد.

تاریخ‌نگاری‌ای که بر گرده مردم استوار بود، این در حالی بود که مهاجران اروپایی فوج فوج به سوی آمریکا می‌آمدند و همین توده‌های جدید در پی طرح جدیدی از گذشته خود نیز بودند. در آمریکا طی این دوران جامعه در حال تکثریافتن بود و به تبع آن نیز تاریخ‌نگاری هم چنین وضعیتی داشت؛ در همین دوران در ایتالیا و آلمان و برخی دیگر از کشورهای جنبش فاشیسم (Fascism) در حال نضج گرفتن بود، و به طریق اولی تاریخ‌نگاری بر مبنای ایدئولوژی فاشیسم و نازیسم (Nazism) در حال گسترش بود (بنگرید به نولته، ۱۳۹۶: صص ۶۱ تا ۹۵)، البته در آلمان نیز طی دهه‌ها آغازین سده بیستم میلادی تاریخ اقتصادی-اجتماعی ظهور و بروز یافت.^۹

۵. آغاز تاریخ اجتماعی در فرانسه

پس از تفوق مکتب رانکه‌ای در تاریخ‌نگاری، نخستین نغمه‌هایی که خبر از مخالفت با جریان رسمی تاریخ می‌داد، به دست‌ان ژول میشله (Jules Michelet 1798-1874) و یاکوب بورکهارت (Jacob Burckhardt 1818-1897) در اواخر سده نوزدهم میلادی نواخته شد. میشله مورخان را به ثبت و ضبط «تاریخ فرودستان» یا «تاریخ آنهایی که رنج کشیده، کار کرده و مرده‌اند، بی‌آنکه توانا به شرح رنج‌هایشان» باشند، فرا می‌خواند و بورکهارت نیز تاریخ را کنش و واکنش حکومت، دین و فرهنگ می‌دانست، پس از این دو تن مورخ و باستان‌شناس فرانسوی فوستل دوکولانژ (Denis Fustel de Coulanges 1830-1889) با شهر باستانی: *مطالعه‌ای درباره‌ی دین، حقوق و نهادها در یونان و روم (La Cité Antique: Étude sur le Culte, le Droit, les Institutions de la Grèce Et de Rome)*، به جای سیاست و رخدادهای تاریخ دین بر خانواده و نظام‌های اخلاقی تأکید ورزید (بنگرید به برک، ۱۳۸۹: ۱۸ و ۱۹). در این میانه نباید از نقش امیل دورکیم (Émile Durkheim 1858-1917) و خلف او فرانسوا سیمیانند (François Simiand 1873-) (1935) که مدعی درآویختن با سه «بت قبیله‌ای مورخان» سیاست، فردیت و رویدادنگاری بود، غافل شویم.

ماحصل چنین رهیافتی، این بود که فعالیت‌های اقتصادی، نظام‌های اجتماعی و روان‌شناسی مردمان به جای رویدادهای تاریخی به سوژه‌ای برای مطالعه مورخ بدل شود؛ در این مسیر جامعه‌شناسی نوپای دورکیمی که ادعای کشف قوانین حاکم در پدیده‌های اجتماعی را داشت نیز به پشتوانه‌ای نظری برای تولد مکتب آنال تبدیل شد (بنگرید به انتخابی فرد، ۹۱). در استراسبورگ لوسین فور (Lucien Febvre 1878-1956) و مارک بلوخ (Marc Bloch 1886-1944) در ژانویه سال ۱۹۲۹ میلادی *سالنامه تاریخ اقتصادی و اجتماعی (Annales d'histoire économique et sociale)* را تاسیس کردند. مورخان این نسل، در پی رهایی تاریخ از آفت «تاریخ زدگی» و یا رهایی از جریان تاریخ‌نویسی رایج بودند. تا پیش از آغاز نسل اول مکتب آنال، مورخان فرانسوی مطالعه موضوعات جدید مانند زندگی کشاورزی و فرهنگ مادی مردمان عادی در دوره‌های میانه و نیز اوایل دوران مدرن را آغاز کرده بودند (بنگرید به استرنز، ۱۳۹۴: ۲۶).

فور و بلوخ هر دو تحت تاثیر پژوهشگران آلمانی بودند و حتی نام آن را نیز از فصلنامه *Vierteljahrschrift für Sozial- und Wirtschaftsgeschichte* (VSWG) (Hartmann 1865-1924)، و گئورگ فون بلو (Georg Von Below 1858-1927)، محقق محافظه کار دوره میانه وام گرفتند. رهیافت اصلی مجله شورشی در برابر تاریخ نگاری مرسوم یعنی "تاریخ جهانی غیرملی" بود. با این حال، رهیافت این مجله پس از سال های جنگ جهانی دوم دچار تغییراتی شد، زیرا به جای اتکای صرف بر تاریخ اقتصادی و اجتماعی بیشتر به پژوهش های شهری و تحلیل های کمی پرداخت (بنگرید به کنراد، پیشین: ۳۹).

لوسین فور در رساله دکتری و نخستین کتاب خود با عنوان *Philippe II et la Franche-Comté: étude d'histoire politique, religieuse et sociale* (۱۹۱۱ میلادی منتشر شد، عناصری مانند دولت، بزرگان، نخبگان و... را به حاشیه راند و توجهاتی را به زیست جامعه نشان داد. مارک بلوخ نیز در مشهورترین اثر خویش، *La société féodale* (۱۹۵۰ میلادی به چشم نمی خورد) (بنگرید به هنر تا، ۱۳۹۴: ۹۹ و ۱۰۰).

تمرکز مورخان آنال بر سده های میانه و سده های منتهی به دوران مدرن، این باور را به وجود آورد که عمده آن ها بر تاریخ قدیم تمرکز داشته اند، در حالی که ایشان هیچ گاه دوره مدرن را کاملاً فراموش نکردند (ایگرس، ۱۳۹۶: ۸۳). درباره ماهیت مکتب آنال و «چیستی» رهیافت های آنان سخن بسیار است، در اینجا با ذکر دو نمونه این بخش را به پایان می بریم.

پیتر برک در خصوص مشخصات این نحله سه مشخصه را ذکر می کند. الف: "جایگزینی تاریخ تحلیلی مسئله گرا به جای روایت سنتی رخدادها." ب: "تاریخ تمام شمول فعالیت های انسانی جای تاریخ سیاسی بسیار مهم را گرفت." پ: "برای دستیابی

به اهداف اول و دوم، با دیگر رشته‌ها همچون جغرافیا، جامعه‌شناسی، روانشناسی، اقتصاد، زبان‌شناسی، انسان‌شناسی اجتماعی و غیره همکاری کرد. " (برک، پیشین: ۱۲). هیو آر. ترور-روپر (Hugh R. Trevor-Roper 1914-2003) نیز در پاسخ به پرسش «فلسفهٔ مکتب آنال چیست؟» سه عنصر را از هم تمیز داده است. "نخست استفاده از کمی‌سازی است، «برای کاستن از گسترهٔ عدم درک و کج‌فهمی از طریق تحلیل‌های آماری دقیق». دوم، تلاش آنال‌ها برای «فهمیدن و فراچنگ آوردن کلیت» و «پیوستگی اساسی هر دورهٔ تاریخی» از طریق مشخص ساختن و ترسیم همهٔ ساختارهای آن. " (هنرتا، پیشین: ۹۹).

شاید گزافه نباشد که مهم‌ترین دستاورد مورخان مکتب آنال را دگرگون‌کردن مفهوم زمان در فاهمهٔ تاریخی دانست. در واقع تبیین نسبیّت در زمان تاریخی معنایی است که پس از برآمدن مکتب آنال فهم شده، چرا که تا قبل از آن‌ها زمان و به طریق اولی زمان تاریخی مفهومی صلب و لایتغیر بود که گویی همگان در خصوص فهم آن اشتراک نظر داشتند و هیچ شکی نیز دربارهٔ آن وجود نداشت. نکته قابل توجه این جاست که هر چه به پایان سدهٔ بیستم میلادی نزدیک می‌شویم، شاهد این هستیم که قوانین کلی دانشمندان کلاسیک علوم اجتماعی در حال رنگ باختن هستند و هر چه این قوانین کلی ضعیف‌تر می‌شوند، رهیافت‌ها آنال بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند.

۶. آغاز تاریخ اجتماعی در آمریکا

با این‌که تاریخ اجتماعی با آغاز تاریخ‌نگاری مکتب آنال شناخته می‌شود، اما باید اشاره کرد که نطفهٔ نخست تاریخ‌نگاری اجتماعی—در معنای تاریخ فرودستان، تاریخ اقلیت‌ها، تاریخ خرد و...—در آمریکا بوده است، هر چند که بعدتر تحت تاثیر مکتب آنال و جریان‌های موجود در اروپا، مانند مارکسیست‌های انگلیسی، تاریخ اجتماعی آمریکایی نیز بسیار فربه‌تر و علمی‌تر شده است. با نضج‌گیری نهادهای دموکراتیک در آمریکا و رشد حس تعلق خاطر به محل زندگی نگارش تاریخ محلی و منطقه‌ای رشد می‌یابد، این نوع تاریخ‌نگاری عمدتاً بر مفاهیمی چون جنگ داخلی، نژاد، قوم و جنسیت استوار بود (بنگرید به محمدپور، ۱۳۹۶: ۲۱۳).

به گفته استرنز " تاریخ اجتماعی، همانند رشته مادر خود [تاریخ] همواره به شدت مکان محور بوده است." (استرنز، ۱۳۹۴: ۸۶). مکان محوری نیز در اقبال به تاریخ خرد در آمریکا قابل مشاهده و ردیابی است. از سوی دیگر هم آمریکا و هم انگلستان که میراث‌داران سنت فلسفی تجربه باوری بوده‌اند، دریافت‌ها و برداشت‌هایی از جامعه داشتند که عمدتاً مستقل از بدنه دیوانسالارانه دولتی بود، همین استقلال موجب شده بود تا تهیه کنندگان اولیه تاریخ اجتماعی راحت‌تر بتوانند از مردم و زندگی روزانه بگویند و شاید همین مسئله نیز باعث شده بود که این افراد برخلاف همکاران خود در اروپای قاره‌ای به جای توجه و علاقه به تبیین‌های بزرگ و فراگیر تاریخ خرد را وجهه همت خود قرار داده بودند (بنگرید به ایگرس، پیشین: ۵۹).

تاریخ‌نگاری آمریکایی در واپسین سال‌های سده نوزدهم میلادی، کماکان، به تاریخ سیاسی تعلق خاطر داشت. از آغاز سده بیستم میلادی، تاریخ‌نگاری در آمریکا نیز دچار تحولاتی شد. تاریخ‌نگاری آغاز سده بیستم آمریکا با مدرنیته همدل بود و آغوش خود را برای نظم جدید اجتماعی گشود و پژوهش‌های تاریخ اجتماعی پس از سال‌های جنگ جهانی دوم به مرور به سوی روش‌های کمی گام پیش رفت. مهم‌ترین ماحصل نگاه کمی به تاریخ اجتماعی در آن سال‌ها پروژه عظیم تاریخ اجتماعی فیلادلفیا (*Philadelphia Social History Project (PSHP)*) از تئودور هرشبرگ (Theodore Hershberg 1941) بود که قرار بود با مددجستن از اطلاعات آماری و سرشماری به پردازش اطلاعات اجتماعی فیلادلفیا در سده نوزدهم میلادی پردازد. در واقع، توجه به امور کمی یکی از مهم‌ترین فصول تمایز تاریخ اجتماعی آمریکا در دهه‌های ۱۹۶۰ میلادی به بعد در قیاس با تاریخ اجتماعی دهه ۱۹۳۰ میلادی بود، که عمدتاً به گردآوری داده‌ها علاقه‌مند بود (بنگرید به ایگرس، پیشین: ۶۳).

به باور ایگرس (Iggers) این تاریخ جدید که به کمیت‌ها معطوف بود، چهار فرض مبنایی داشت:

الف: قوانین معتبر عامی بر رفتارهای اقتصادی حاکم هستند که با قوانین بیان شده از سوی اسمیت (Adam Smith 1723-1790) و ریکاردو (David Ricardo 1772-1823) انطباق دارند.

ب: وجه مشخصه اقتصاد سرمایه‌داری رشد دائمی است.

پ: فرایند مدرن‌سازی اقتصادی در نهایت به مدرن‌سازی سیاسی می‌انجامد.

ت: روش کمی را نه تنها در فرایند اقتصادی، بلکه در فرایند اجتماعی نیز می‌توان به کار برد (ایگرس، پیشین: ۶۹).

به‌طورکلی، در اروپا پژوهش‌های تاریخ اجتماعی بر دو شیوه استوار بود، "آنال‌های فرانسوی و مارکسیست‌های انگلیسی" (هنرتا، پیشین: ۹۷) اما در آمریکا، مورخان اجتماعی رهیافت‌های نظری مارکسیستی را رد می‌کنند. هنرتا (Henretta) اکراه و احتراز مورخان اجتماعی آمریکایی از پذیرش مفروضات مورخان مکتب آنال و مارکسیست‌های انگلیسی را ناشی از تجربه تاریخی بسیار متفاوت آنان از مورخان اروپایی می‌داند (هنرتا، پیشین: ۱۱۴). در واقع روند موجود در تاریخ اجتماعی در آمریکا مبتنی بر دقت علی در روش‌های پژوهش کمی و مهارت تحلیلی در نظریه در نظریه‌های علوم اجتماعی است، زیرا این زمینه محل مشارکت "گروه‌های-کلیمتریست‌ها، نظریه‌پردازان اجتماعی میان‌رشته‌ای و دموکرات‌های اجتماعی انتقادی‌اندیش-با رهیافت‌های اغلب مکمل و گاه متناقض نسبت پژوهش‌های تاریخی است." (هنرتا، پیشین: ۹۶).

۷. رهیافت‌های جدید در تاریخ اجتماعی

تاریخ اجتماعی همانند سایر زمینه‌های پژوهشی در سال‌های پایانی سده بیستم میلادی با چالش‌های فراوانی روبرو شد، اگرچه توجه به تاریخ خرد از همان آغاز قابل مشاهده بود، در اواخر این سده، تاریخ اجتماعی بر مبنای اسناد تاریخی، تاریخ اجتماعی بر مبنای جامعه‌شناسی تاریخی، تاریخ اجتماعی بر مبنای جغرافیای تاریخی، تاریخ اجتماعی بر مبنای فرهنگ جوامع، تاریخ اجتماعی بر مبنای تاریخ اقتصادی و... هم به انواع تاریخ اجتماعی افزوده شد، اما گونه دیگری که در این دوران شهرت یافت و تداوم تاریخ خرد بشمار می‌آمد، تاریخ «زندگی روزمره» بود.

افول "باور به مثبت بودن نیروی مدرن‌سازی" (ایگرس، پیشین: ۱۴۱)، رشد مطالعات پساستعماری (Post-colonialism) و شیوع نگرش پست مدرنیسم (Postmodernism) در جهان را می‌توان از دلایل این میل جدید قلمداد کرد. به باور ارنست نولته (Ernst Nolte 1923-2016) سده بیستم میلادی دوران ایدئولوژی‌های خشن از جمله فاشیسم و کمونیسم (Communism) و ... است (بنگرید به نولته، ۱۳۹۹). طبیعی است که در عصر ایدئولوژی‌های خشن و بزرگ که بسیار نیز در آن روزگار فراگیر بوده‌اند، تاریخ‌نگاری‌های کل‌گرا و سیاسی بسیار پر رونق شده باشند. از اواسط سده بیستم میلادی این ایدئولوژی‌های فراگیر یکی پس از دیگری شکست خوردند و اقبال به آن‌ها با شکست مواجه شد، لذا با شکست ایدئولوژی‌های بزرگ و تاریخ‌نگاری‌های سیاسی-ایدئولوژیک انواع جدیدی از تاریخ‌نگاری از جمله تاریخ اجتماعی، تاریخ خرد و... که برخلاف تاریخ سیاسی^۱ مستظهر به نیروی کف جامعه بودند، ظهور و بروز یافت.

با این حال، یکی از سرچشمه‌های اصلی تاریخ اجتماعی اندیشه مارکسیسم بود، زیرا اندیشه مارکسیسم به جز عینیتی که در عالم سیاست به بار نشست، دارای طرحی کلی برای تاریخ بود، یا به عبارت دیگر توانسته بود تا روایت تاریخ جهانی خود را از «چگونگی» جهان تا حد زیادی تبیین کند—کاری که در جنبش‌های فاشیستی به بار نشست. مارکسیسم روایت تاریخ جهانی خود را از منظر اقتصاد بیان می‌کند، چرا که کارل مارکس اقتصاددانی مبرز بود، بنابراین، تاریخ اقتصادی و به تبع آن تاریخ اجتماعی‌ای که مبتنی بر توزیع ثروت، امور کمی اقتصادی و... بود، در آغوش اندیشه مارکسیسم متبلور شد. از نگاه یورگن کوکا، اندیشه‌های مارکسیستی و نظریه‌های وبری تا دهه ۱۹۷۰ میلادی تقویت‌کننده‌های تاریخ اجتماعی بوده‌اند و از همین‌رو بوده است که " در توضیح تغییرات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی اغلب وزن چشمگیری به انواع مختلف عوامل اقتصادی نسبت داده می‌شود." (کوکا، پیشین: ۶۳).

هنر تا اخذ رهیافت‌های مارکسیستی در تاریخ را به مثابه تصدیق نقد مارکسیسم بر سرمایه‌داری تفسیر می‌کند و این معنا را متضمن چهار قضیه می‌داند:

الف: نخستین اصل تحلیلی بیان می‌کند که نظام تولیدی از اهمیتی حیاتی در زیست یک جامعه برخوردار است.

ب: روابط اجتماعی تولید در تقسیمات طبقاتی آشکار می‌شود.

پ: سومین اصل بنیادین مارکستی تغییر و تضاد را ویژگی‌های بنیادین واقعیت اجتماعی می‌داند و تغییر تاریخی را بر اساس فرایندی دیالکتیکی تبیین می‌کند که نخستین بار هگل و ویژگی‌هایش را تشریح کرد.

ت: آخرین قضیه می‌گوید روابط اجتماعی سرمایه‌داران مرد و زن را از کارشان و از خود درونی‌شان بیگانه می‌کند (هنرنا، پیشین: ۱۰۷).

در نگاه ما، تاریخ اجتماعی، محلی و سایر انواع تاریخ‌نگاری بدیلی در برابر تاریخ سیاسی، موجود و یا آنچه کوکا آن را تاریخ متعارف (Conventional history) می‌نامد، است. ظاهراً، این مفروض پیش‌تر در خصوص تاریخ محلی به نقل از آن لمبتون (Ann Lambton 1912-2008) نقل شده است (بنگرید به آژند، ۱۳۸۰). اما این فرضیه در خصوص تاریخ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اساساً در برابر هر بدیلی برای تاریخ سیاسی و همان تاریخ متعارف یا رایج نیز صدق می‌کند و بر این مطلب یورگن کوکا نیز صحه گذاشته است. به باور او تا دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی چنین وضعیتی وجود داشته است. به گفته هم‌او، در آغاز تاریخ اجتماعی روش‌هایی را که در تاریخ مغفول بوده است، مورد توجه قرار می‌گرفته، و به مرور این روش تاریخ‌نگاری توانسته است راهی در میان مخالفان خود نیز باز کند (بنگرید به کوکا، پیشین: ۶۸).

و اما در پایان تعاریف و رهیافت‌های موجود در خصوص تاریخ اجتماعی بایسته است تا به نقطه نظر استرنز در خصوص «چگونگی» وضعیت کنونی تاریخ اجتماعی اشاره‌ای داشته باشیم. وی می‌گوید:

" اگر برخی از عجولانه‌ترین امیدهای اولیه محقق نشده است—یعنی اگر هنوز تاریخ به طور کلی به تاریخ اجتماعی یا نسخه‌ای اجتماعی—تاریخی از کل تاریخ بدل نشده و هنوز دوره‌بندی اجتماعی—تاریخی جانشین دوره‌بندی متعارف و معمولاً سیاسی نشده، ولی این رشته دگردیسی یافته است. حفظ این دگردیسی

شایسته و نیازمند این است که به صورت دوره‌ای به جایگاه تاریخ اجتماعی به روز شود." (استرنز، پیشین: ۷۶).

۸. جمع‌بندی آراء

در این بخش سر آن داریم تا کلیه تعاریف ارائه شده را جمع‌بندی کرده و بر اساس آنچه تا کنون از دانشوران این حوزه نقل کرده‌ایم، آبخشورهای اصلی و حوزه‌های تشکیل‌دهنده تاریخ اجتماعی را معرفی کنیم و سپس با ارائه جدولی از تعاریف موجود اجزای تشکیل‌دهنده این شاخه دانش را نیز بازگو کنیم.

آبخشورهای اصلی این حوزه دانشی—در معنای زمینه‌های نضح آن—چهار رشته جغرافیای تاریخی (Historical geography)، تاریخ اقتصادی، روانشناسی اجتماعی (Social psychology) و جامعه‌شناسی تاریخی (Historical sociology) هستند (بنگرید به شکل ۱)، بدون شک در کنار موارد گفته شده تاریخ سیاسی، تاریخ، نظامی، علوم سیاسی و بسیاری از رشته‌های دیگر را نیز می‌توان به این سیاهه اضافه کرد (بنگرید به شکل ۲). از آن‌جا که مفروض ما در تعریف تاریخ اجتماعی فاصله گرفتن از تاریخ سیاسی مرسوم بوده است، این چهار زمینه را مهم‌ترین شاخه‌های دانشی برای تبیین «چیستی» ماهیت تاریخ اجتماعی در مطالعات تاریخی مهم‌تر قلمداد کرده‌ایم. ناگفته پیداست که ارائه هر تعریفی از این چهار رشته نیز همانند تاریخ اجتماعی تا حد زیادی دشوار است، اما ناگزیریم تا از هر یک تعریفی، هر چند مختصر ارائه کنیم.

جغرافیای تاریخی: در این شاخه دانشی تأثیر محیط جغرافیایی بر وقایع تاریخی، بررسی می‌شود. بطور کلی جغرافیای تاریخی با برآیند چهار عنصر انسان، زیست، فضا و زمان سر و کار دارد و این چهار بخش تشکیل‌دهنده دانش جغرافیای تاریخی هستند (بنگرید به رهنمایی، ۱۳۹۹ و ماخانی، ۱۴۰۱). همین‌طور که قبل‌تر نیز نشان داده‌ایم، بسیاری از دانشوران تاریخ اجتماعی از جمله آنالی‌های نسل اول توجه خاصی به جغرافیای تاریخی داشته‌اند (بنگرید به بیکر، ۱۳۹۲ و رهنمایی ۱۳۹۹).

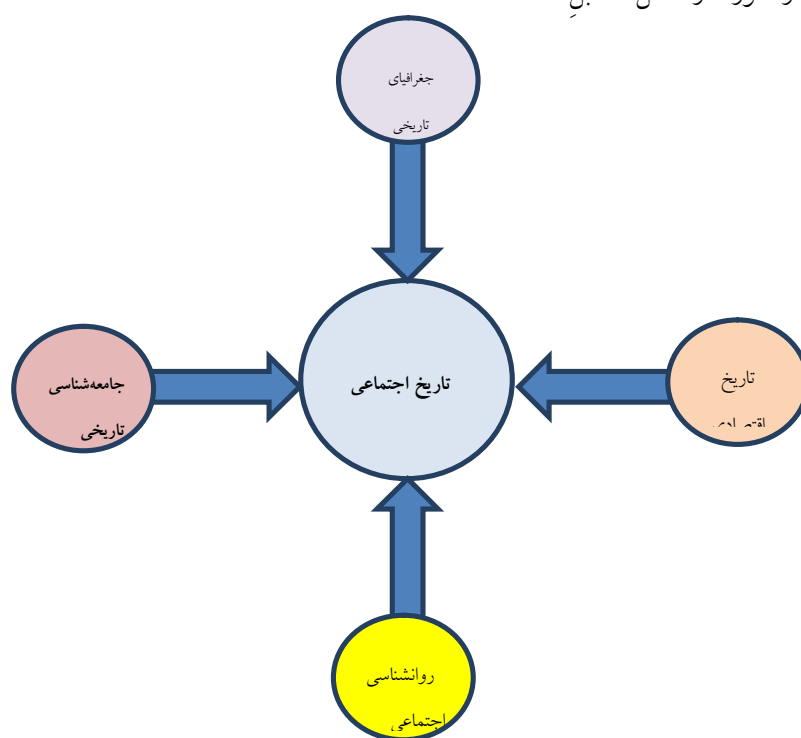
تاریخ اقتصادی: روند مطالعه اقتصاد و هر پدیده اقتصادی در بستر زمان تاریخ اقتصادی است. در بررسی‌های تاریخ اقتصاد، عمدتاً، با استفاده از روش‌های تاریخی-آماري، روایتی از وضعیت اقتصاد در یک دوره تاریخی ارائه می‌شود. مطالعات تاریخ اقتصادی را می‌توان در موضوعاتی از جمله اقتصاد خرد، اقتصاد کلان، اقتصاد سیاسی و... به کار گرفت. تاریخ، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و آمار از رشته‌هایی هستند که در مطالعات تاریخ اقتصادی بسیار کارا هستند. تاریخ اقتصادی اشتراکات فراوانی با تاریخ اجتماعی دارد، چرا که، اساساً، اقتصاد پدیده‌ای اجتماعی است، اما در تاریخ اجتماعی پژوهش‌گر مسائلی را فراتر از اقتصاد غوررسی می‌کند (See in Hangan, 1994: 287-289).

روانشناسی اجتماعی: روانشناسی اجتماعی، یک مطالعه علمی و روشمند درباره شیوه‌های فکر کردن، احساس کردن و رفتار کردن انسان‌ها در برابر دیگران است. شاخه‌های دانشی دیگری نیز هستند که بسیار به روانشناسی اجتماعی نزدیک هستند و با آن در برخی نقاط هم‌پوشانی دارند؛ از جمله تاریخ، روانشناسی عمومی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی. مهمترین تفاوت بین روانشناسی اجتماعی با مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی اینجاست که در روانشناسی اجتماعی، رفتار یک فرد به عنوان عضوی از گروه یا در مجاورت گروه یا در تعامل با گروه مورد توجه قرار می‌گیرد، در حالی که در مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی، بیشتر به رفتار گروه‌های انسانی توجه می‌شود. روانشناسی اجتماعی که یکی از آبخشورهای اصلی تاریخ اجتماعی است، همانند تاریخ اجتماعی بر امر اجتماعی ابتناء دارد؛ با این تفاوت که پژوهش‌گر تاریخ اجتماعی با مدد از روانشناسی اجتماعی، اما با یک روش‌شناسی متفاوت در پی طرح‌ریزی روایتی اجتماعی—خواه کلی و خواه جزئی—از جریان تاریخ است.

جامعه‌شناسی تاریخی: جامعه‌شناسی تاریخی یکی از مطالعات بین‌رشته‌ای است که سیر تطور جوامع را در طول تاریخ مورد بحث قرار می‌دهد. یکی از تعاریف نسبتاً استوار از این علم گفته دنیس اسمیت (Dennis Smith) درباره چیستی جامعه‌شناسی تاریخی است. از نظر او «جامعه‌شناسی تاریخی، به مفهوم درست کلمه معرفتی عقلانی انتقادی و خلاق است. [این رشته] درصدد شناخت سازکارهایی است که بوسیله آن جوامع تغییر [می‌یابند] یا

[ساختارهای حقوقی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و...] خود را بازتولید می‌کنند.» (اسمیت، ۱۳۸۶: ۱۴۷). جامعه‌شناسی تاریخی بیش از سه دانش قبلی با تاریخ اجتماعی پیوند دارد به طوری که گاه تمیز دادن آنها از یکدیگر بسیار دشوار است. اگر بخواهیم با دقت بیشتری این مسئله را روشن کنیم باید بگوییم که جامعه‌شناسی تاریخی را می‌توان بخشی از تاریخ اجتماعی قلمداد کرد، زیرا تاریخ اجتماعی محدوده وسیع‌تری را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر جامعه‌شناسی تاریخی در دل تاریخ اجتماعی قرار می‌گیرد و بخشی از آن است.

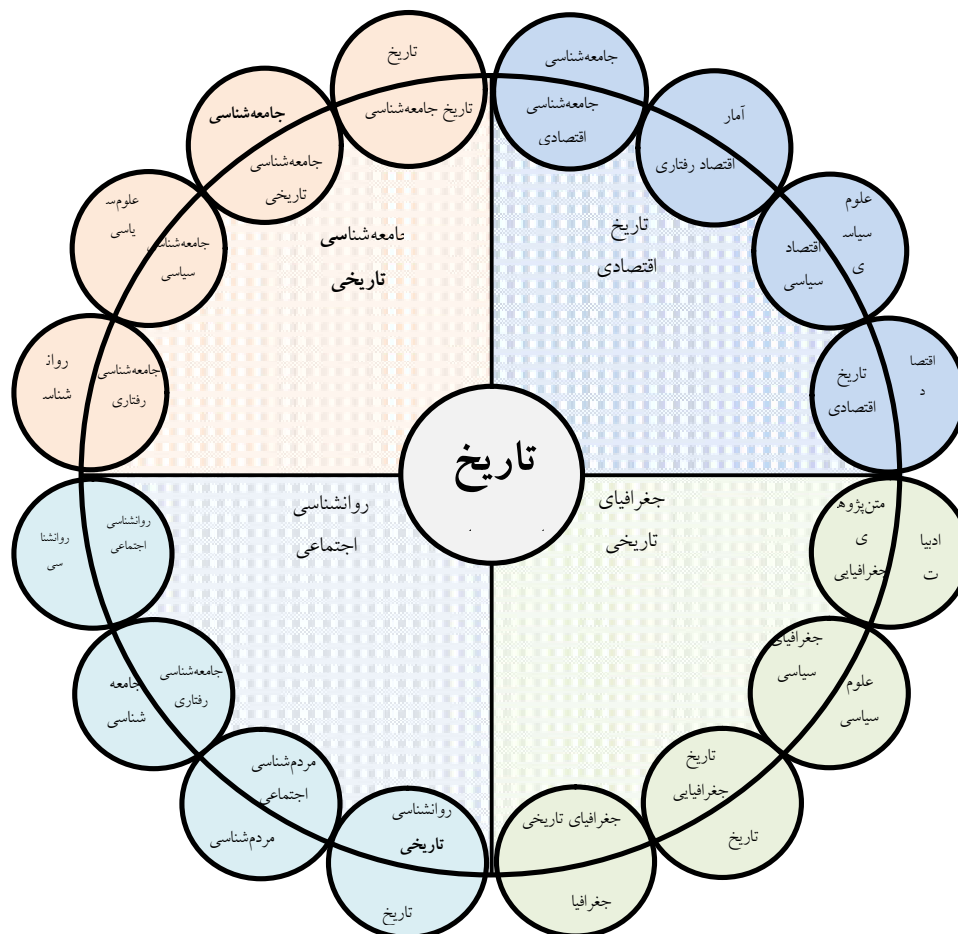
این چهار حوزه در شکل ۱ قابل مشاهده است:



شکل ۱- آبخوره‌های اصلی تاریخ اجتماعی

هر یک از چهار رشته اصلی تشکیل‌دهنده تاریخ اجتماعی، معرفت‌هایی بین رشته‌ای هستند و از تلفیق رشته‌ها و نظام‌های دانشی دیگری تشکیل شده‌اند. هر کدام از رشته‌های مورد نظر ما در تلاقی با این چهار رشته، یک معرفت بینارشته‌ای را تولید و همگی تشکیل‌دهنده معرفتی به نام تاریخ اجتماعی هستند. شیوه ترکیب این معارف و تشکیل نظام‌های

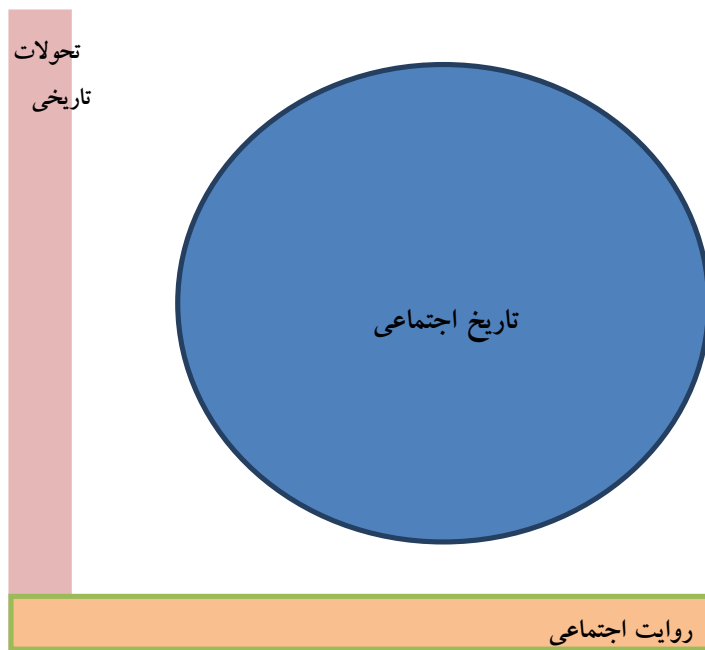
بینارشته‌ای در شکل شماره ۲، نمایش داده شده است، بدین گونه که تاریخ اجتماعی در دایره مرکزی قرار دارد و هر یک از چهار رشته اصلی که از تلاقی با سایر رشته‌ها تشکیل شده‌اند در نیم‌دایره داخلی دایره خارجی و معرفتی که با معرفت اصلی تلاقی می‌کند در نیم‌دایره خارجی دوایر کوچک به نمایش درآمده‌اند.



شکل ۲: رشته‌ها و زیررشته‌های تشکیل‌دهنده آبخورهای اصلی تاریخ اجتماعی پس از سخن درباره رشته‌ها و زیررشته‌ها تشکیل‌دهنده آبخورهای تاریخ اجتماعی قصد داریم تا بنا بر تعاریفی که پیش‌تر از صاحب نظران تاریخ اجتماعی نقل کرده‌ایم، اجزای

تشکیل دهنده تاریخ اجتماعی را واکاوی کنیم تا در این مقاله به روشنی مشخص شود که تاریخ اجتماعی به چه معناست.

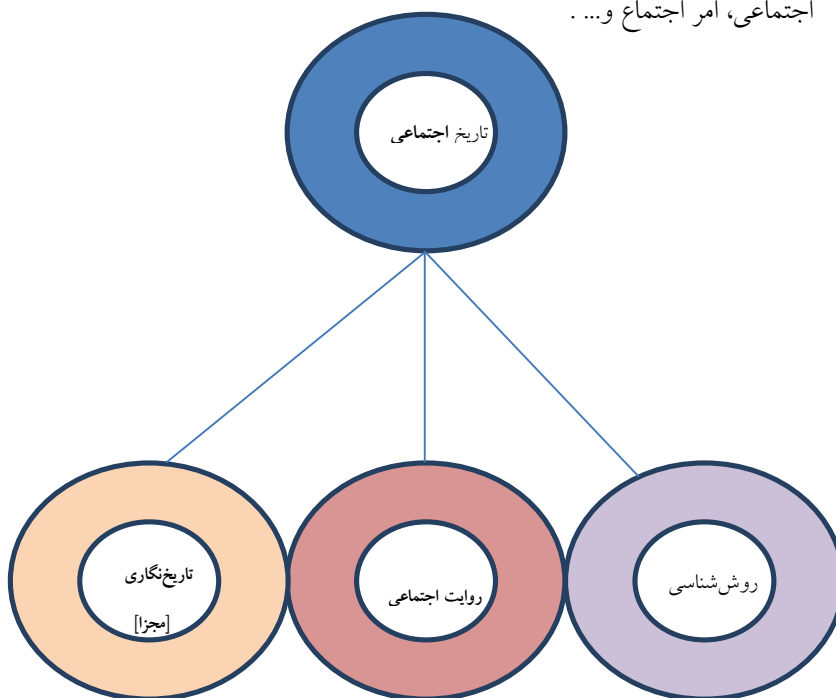
این دانش راوی تاریخ در بستر اجتماع با ابتاء بر امر اجتماعی است؛ با چنین مفروضی روایت اجتماعی و یا روایتی از یک اجتماع نخستین زمینه برای شکل‌گیری تاریخ اجتماعی است و تاریخ اجتماعی می‌تواند روایتی اجتماعی از تحولات تاریخی، خواه خرد و خواه کلان، باشد.



شکل ۳: شکل‌گیری تاریخ اجتماعی از تلاقی تحولات تاریخی و روایت اجتماعی

در واقع، چنین دریافتی از تاریخ اجتماعی می‌تواند نخستین رهیافت‌ها از تاریخ اجتماعی را برای ما تداعی کند: این که مورخی با یک روایت اجتماعی تحولات تاریخی را بازگو کند. اما آیا برآستی هر اثری که واجد چنین شرایطی باشد را می‌توان تاریخ اجتماعی قلمداد کرد؟ به‌طور قطع خیر! اما چنین خصیصه‌ای نخستین عنصر شکل‌دهنده تاریخ اجتماعی است و آثار فراوانی را می‌توان مثال زد که به همین بخش بسنده کرده‌اند.

در کنار روایت اجتماعی دو عنصر دیگر نیز در ساخت تاریخ اجتماعی مشارکت دارند: روش‌شناسی یا روش‌شناسی‌های [نوین یا مجزای از تاریخ‌نگاری‌های مرسوم] و گونه‌ای از تاریخ‌نگاری [نوین یا مجزا] است. برای نمونه استفاده از روش‌های کمی و کیفی برای تبیین و تحلیل‌های اجتماعی و نیز نگارش تاریخ بر مبنای اساس قدرت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، امر اجتماع و



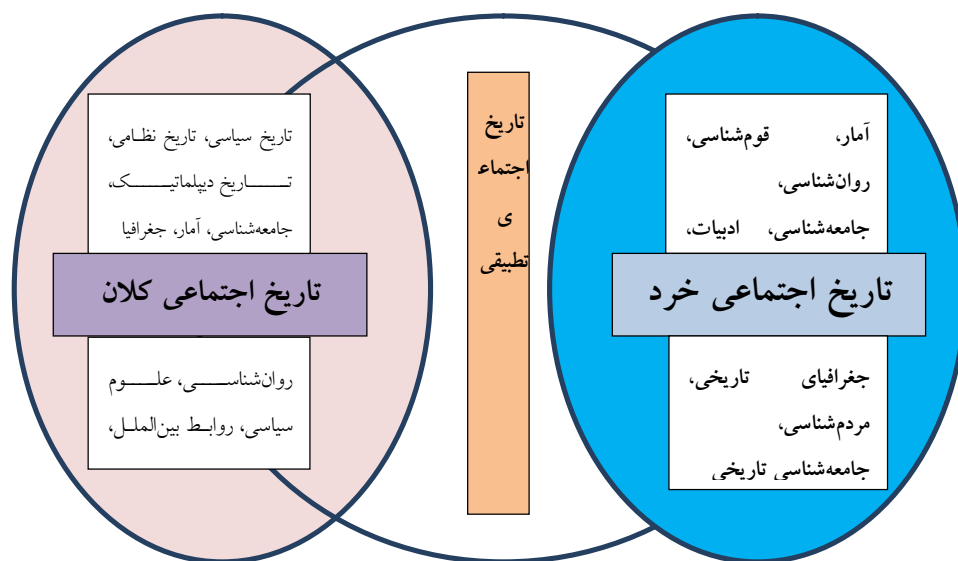
شکل ۴: عناصر ساخت تاریخ اجتماعی

این سه عنصر که از آن‌ها یاد کردیم، برگرفته از تعاریفی بود که پیشتر نقل شده‌اند. در جدول زیر موضع صاحب نظران در برابر عناصر گفته شده مشخص شده است:

ر	عناصر	بریتانیک ا	شیکاگو و	ساموئل	هاپکینز	برویدل ی	یونگ ز	ترولین	کوک ا	موسی‌پو ر
۱	باور به گونه‌ای از تاریخ‌نگاری مجزا	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۲	باور به روش‌شناسی مجزا	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۳	باور به نقل روایت اجتماعی	✓	*	✓	*	✓	*	✓	*	✓

جدول شماره ۲: موضع صاحب‌نظران در مقابل عناصر تشکیل‌دهنده تاریخ اجتماعی

تاریخ اجتماعی با مدد از رشته‌های مختلف به روایت اجتماعی می‌پردازد و این گونه را به طور کلی می‌توان به سه دسته تاریخ اجتماعی خرد، تاریخ اجتماعی کلان و تاریخ اجتماعی تطبیقی تقسیم کرد. این پیوندها در شکل زیر ترسیم شده‌اند:



شکل شماره ۵: پیوندها در سه گونه تاریخ اجتماعی

۹. نتیجه گیری

هدف مقاله پیش‌رو، ارائه دورنمایی از «چگونگی» زایش گونه‌ای از تاریخ‌نگاری به نام تاریخ‌نگاری اجتماعی در مغرب زمین بوده است، لذا برای نیل به آن پس از مقدمه، تعاریفی را در خصوص تاریخ اجتماعی آوردیم. تعاریف در این خصوص بسیار پراکنده و تا حدی نیز متناقض‌نما هستند و همین معنا دشواری این کار را دوچندان می‌کند، اما می‌توان در این میان به معانی مشترکی از برای «تقریر محل نزاع» دست یافت. سپس، از مختصات گونه‌ای از تاریخ‌نگاری نوین در برابر تاریخ‌نگاری کهن گفتیم تا تفاوت این گونه نوین بیشتر آشکار آید و ما به ازای عینی تاریخ اجتماعی نیز روشن شود و در واپسین بخش این نوشته پس از سخن در باب رهیافت‌های جدید این گونه به جمع‌بندی این آراء پرداختیم. سعی ما در این پژوهش بر این بود تا با بررسی چشم‌اندازهای متفاوت نسبت به تاریخ اجتماعی زمینه‌ای را از برای ادراک تاریخ اجتماعی در ایران فراهم آوریم و افزون بر آن نسبت دانش تاریخ اجتماعی با دانش‌های هم‌جوار آن را توضیح دهیم. به رغم وجود منازعات موجود در خصوص معنای تاریخ اجتماعی می‌توان به جمله پرمغز و نغز پرکین (Harold J. Perkin 1926-2004) اندیشید که می‌گوید: «تاریخ اجتماعی بخشی از تاریخ نیست»، بلکه «کل تاریخ است از منظری اجتماعی» (هنرنا، پیشین: ۹۸). و چنان‌چه بخواهیم به طرز دیگری به جمع‌بندی «چیستی» و «ماهیت» تاریخ اجتماعی بپردازیم و تعریف خود را از این مقوله ارائه دهیم، می‌توانیم بگوییم: تاریخ اجتماعی دانشی است راجع به تاریخ، در بستر اجتماع، با ابتناء بر امر اجتماعی.

کتاب‌نامه

استرنز، پیتر (۱۳۹۴). «تاریخ اجتماعی»، تاریخ اجتماعی: دانش، روش، آموزش، گردآوری و ترجمه دکتر ابراهیم موسی پور بشلی و محمدابراهیم باسط، صص ۲۱ تا ۳۵.
 استرنز، پیتر (۱۳۹۴). «اکنون و آینده تاریخ اجتماعی»، تاریخ اجتماعی: دانش، روش، آموزش، گردآوری و ترجمه دکتر ابراهیم موسی پور بشلی و محمدابراهیم باسط، تهران: سمت، صص ۷۴ تا ۹۳.

- اسمیت، دنیس (۱۳۸۶)، *برآمدن جامعه‌شناسی تاریخی*، ترجمه دکتر سید هاشم آقاجری، تهران: نشر مروارید.
- انتخابی، نادر، لوسین فور و مارک بلوک: بیکار مشترک با دو رهیافت متفاوت، ۲۶ بهمن ۹۱، پایگاه اینترنتی *انسان‌شناسی و فرهنگ*.
- ایگرس، گنورگ (۱۳۹۶)، *تاریخ‌نگاری در قرن بیستم: از عینیت تا چالش پسامدرن*، ترجمه محمدابراهیم باسط، تهران: سمت.
- آرنت، هانا (۱۴۰۰)، *توتالیتاریسم: عناصر و خاستگاه‌های حاکمیت توتالیتیر*، ترجمه مهدی تدینی، تهران: ثالث.
- آژند، یعقوب (۱۳۸۰). «تاریخ‌نگاری محلی ایران»، *تاریخ‌نگاری در ایران*، ترجمه و تالیف یعقوب ژند، تهران: گستره.
- برومند، صفورا (۱۳۹۱)، *ممیزی تاریخ اجتماعی در ایران*، انجمن علمی ایرانی تاریخ، طرح ممیزی موضوع مهم علمی.
- برومند، صفورا (۱۳۹۳). «آسیب‌شناسی آموزشی تاریخ اجتماعی در نظم آموزشی عالی ایران»، *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، سال چهارم، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۱ تا ۲۷.
- برک، پیتر (۱۳۸۹)، *انقلاب تاریخ‌نگاری فرانسه: مکتب آنال: ۱۹۲۹-۱۹۱۹*، ترجمه کامران عاروان، تهران: نشر تاریخ ایران.
- بیکر، آلن، اچ (۱۳۹۲)، *تاریخ و جغرافیا: پیوند مرزها*، ترجمه مرتضی گودرزی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- پژوهنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: تهران.
- تحقیقات تاریخ اجتماعی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: تهران.
- خنجی، محمدعلی (۱۳۳۵)، *بررسی تاریخ ماد و منشاء نظریه دیاکونف*، تهران: انتشارات حکمت.
- خوانساری، محمد (۱۳۹۹)، *دوره مختصر منطق صوری*، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- دونزولو، ژاک (۱۳۹۵)، *ابداع امر اجتماعی: رساله‌ای درباره افول هیجانات سیاسی*، ترجمه آرام قریب، تهران: شیرازه کتاب ما.

- رحمانیان، داریوش (شهریور ماه ۱۳۸۶). «پیدایش تاریخ اجتماعی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال یازدهم، شماره ۱۱۲، صص ۴ تا ۱۳.
- رهنمایی، محمدتقی (۱۳۹۹)، «موضوع‌شناسی جغرافیای تاریخی در قالب یک مدل مفهومی»، مجموعه مقالات نخستین همایش جغرافیای تاریخی: نخستین همایش گروه جغرافیای تاریخی جهان اسلام، جلد اول، جمعی از نویسندگان، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
- فاضل تونی، محمدحسین (۱۳۸۶)، منطق، تهران: مولی.
- کتاب ماه تاریخ و جغرافیا (آبان ماه ۱۳۸۲). «تاریخ اجتماعی در گفت و گو با دکتر تورج اتابکی»، سال هفتم، شماره ۷۳، صص ۶ تا ۱۹.
- کنراد، کریستوف (۱۳۹۴)، «تاریخ اجتماعی»، تاریخ اجتماعی: دانش، روش، آموزش، گردآوری و ترجمه دکتر ابراهیم موسی‌پور بشلی و محمدابراهیم باسط، صص ۳۶ تا ۵۸، تهران: سمت.
- کوکا، یورگن (۱۳۹۴)، «تاریخ اجتماعی امروز: خسران‌ها، دستاوردها، فرصت‌ها»، تاریخ اجتماعی: دانش، روش، آموزش، گردآوری و ترجمه دکتر ابراهیم موسی‌پور بشلی و محمدابراهیم باسط، صص ۵۹ تا ۷۳، تهران: سمت.
- ماخانی، محمدجلال (۱۴۰۱). «جغرافیای تاریخی از دو منظر: درآمدی بر اهمیت جغرافیای تاریخی پیرامون مسائل تاریخی ایران»، سیاست‌پژوهی اسلامی/ایرانی، س ۱، شماره ۳، صص ۶۰ تا ۸۰.
- مایلز، فربن (۱۳۹۴)، تاریخ اجتماعی: مسائل، راهبردها و روش‌ها، ترجمه ابراهیم موسی‌پور بشلی و محمدابراهیم باسط، تهران: سمت.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۶)، تاریخ به روایت فلسفه: از هرودوت تا آلن بدیو، قم: نشر لوگوس.
- مردم‌نامه (۱۳۹۸). «تولد تاریخ اجتماعی در ایران»، گفت و گو محسن آزموده با ابراهیم موسی‌پور، شماره ۱۰، پیاپی ۱۱، پاییز و زمستان، صص ۱۴۸ تا ۱۶۵.
- موسی‌پور، ابراهیم (۱۳۸۶). «تاریخ اجتماعی: رویکردی نوین به مطالعات تاریخی»، تاریخ و تمدن اسلامی، س ۲، شماره ۶، صص ۱۴۱ تا ۱۵۵.

موسی پور بشلی، ابراهیم (۱۴۰۰)، *رهیافت به فرد و داده‌های فردی در مطالعات تاریخ اجتماعی*، تهران: سمت.

موسی پور بشلی، ابراهیم و باسط، محمد ابراهیم (۱۳۹۴)، *تاریخ اجتماعی: دانش، روش و آموزش*، گردآوری و ترجمه ابراهیم موسی پور بشلی و محمد ابراهیم باسط، تهران: سمت.

نولته، ارنست (۱۳۹۶)، *قرن بیستم: ایدئولوژی‌های خشونت*، ترجمه مهدی تدینی، تهران: ققنوس.

نولته، ارنست (۱۳۹۹)، *اسلام‌گرایی: سومین جنبش مقاومت رادیکال*، ترجمه مهدی تدینی، تهران: ثالث.

هنر تا، جیمز (۱۳۹۴). «تاریخ اجتماعی به مثابه امر زیسته و مکتوب»، *تاریخ اجتماعی: دانش، روش، آموزش*، گردآوری و ترجمه دکتر ابراهیم موسی پور بشلی و محمد ابراهیم باسط، تهران: سمت، صص ۹۴ تا ۱۴۶.

Donald S. Sutton, "Anthropology" *Encyclopedia of Social History*, ed, Peter N. Streans, Garland Publishing, Inc. New York & London, 1994, pp51-53.

E. J. Hobsbawm, "From Social History to the History of Society", *Daedalus*, Vol. 100, No. 1, Historical Studies Today (Winter, 1971), pp. 20-45.

Encyclopedia of Social History, ed, Peter N. Streans, Garland Publishing, Inc. New York & London, 1994.

Gilbert Rozman, "Modernization", *Encyclopedia of Social History*, ed, Peter N. Streans, Garland Publishing, Inc. New York & London, 1994, pp 664-666.

Mary Lindemann, "Mentalities", *Encyclopedia of Social History*, ed, Peter N. Streans, Garland Publishing, Inc. New York & London, 1994, pp 608-612.

Michael P. Hanagan, "Economics: Economic and Social History", *Encyclopedia of Social History*, ed, Peter N. Streans, Garland Publishing, Inc. New York & London, 1994, pp 287-289.

Michael P. Hanagan, "Industrialization", *Encyclopedia of Social History*, ed, Peter N. Streans, Garland Publishing, Inc. New York & London, 1994, pp 455-459.

- Myron P. Gutman, "Demography", *Encyclopedia of Social History*, ed, Peter N. Streans, Garland Publishing, Inc. New York & London, 1994, pp 255-257.
- Patrick, Joyce, WHAT IS THE SOCIAL IN SOCIAL HISTORY?, *Past & Present*, Feb 2010, No 206, pp. 213-248.
- Peter N. Streans, ed, *Encyclopaedia Of European Social History: from 1350-2000*, Charles Scribner's Sons, 2001.
- Peter N. Streans, ed, *Encyclopaedia Of Social History*, Taylor & Francis, 1993.
- Raphael Samuel, what is Social History, Published in *History Today*, Volume 35 Issue 3 March 1985.
- Traian Stoianovich, "Annales School", *Encyclopedia of Social History*, ed, Peter N. Streans, Garland Publishing, Inc. New York & London, 1994, pp 48-50.
- Traian Stoianovich, "Annales School", *Encyclopedia of Social History*, ed, Peter N. Streans, Garland Publishing, Inc. New York & London, 1994, pp 48-50.
- www.archives.history.ac.uk/makinghistory
- <https://www.historytoday.com>
- <https://www.amazon.com>
- <https://tarjomaan.com>
- <https://anthropologyandculture.com>
- www.britannica.com
- www.archives.history.ac.uk/makinghistory
- farhangemrooz.com
- www.uchicago.edu
- <https://socialhistory.ihcs.ac.ir/>
- <https://economichistory.ihcs.ac.ir/>

پی نوشت

۱. difference/differentia یا فصل یکی از کلیات خمس—نوع، جنس، فصل، عرض عام و عرض خاص—در علم منطق است. اهل اصطلاح در تعریف فصل می‌گویند: فصل وصفی از اوصاف اشیاء را تغییر می‌دهد. بنگرید به خوانساری، ۱۳۹۹ فاضل تونی، ۱۳۸۶.
۲. برای نمونه کافیست تا در پایگاه اینترنتی آمازون (www.amazon.com) و یا یکی از کتابخانه‌های بین‌المللی عبارت تاریخ اجتماعی (the Social History of... or a Social History of...) را جستجو کنیم، عناوین قابل مشاهده بسیار جالب توجه خواهد بود. برای نمونه:

سربازان انگلیسی در آمریکا: تاریخی اجتماعی از زیست نظامی در عصر انقلاب (*The British Soldier in America: A Social History of Military Life in the Revolutionary Period*), دوران: تاریخ اجتماعی تازه‌واردان (*The Season: A Social History of the Debutante*), آمریکایی‌ها چگونه می‌خورند: تاریخ اجتماعی خوراک و فرهنگ آمریکایی (*How America Eats: A Social History of U.S. Food and Culture*), انقلاب‌های خانگی: تاریخ اجتماعی زیست خانوادگی آمریکایی (*Domestic Revolutions: A Social History Of Kick It: A Social History*), پای بکوب: تاریخ اجتماعی ساز درام (*American Family Life of the Drum Kit*) و نمونه‌های بالا همگی مؤید این نظر است که تاریخ اجتماعی دامنه گسترده‌ای را شامل می‌شود، حال اگر همین جستجو را در میان آثار موجود ایرانی انجام دهیم دامنه پاسخ وسیع‌تر نیز خواهد بود.

۳. رافائل ساموئل (Raphael Samuel)، استاد کالج راسکین (Ruskin College) در آکسفورد (Oxford)، کیث هاپکینز (Hopkins Keith)، رئیس دانشکده علوم اجتماعی در دانشگاه برونل (Brunel) و نویسنده کتاب *فاتحان و بردگان (Conquerors and Slaves)*، جان برویلی (John Breuilley)، استاد تاریخ دانشگاه منچستر (University of Manchester)، و نویسنده کتاب *ناسیونالیسم و دولت (Nationalism and the State)*، جوئیس یونگز (Joyce Youings)، استاد تاریخ اجتماعی انگلیسی در دانشگاه اکستر (University of Exeter) و نویسنده کتاب *انگلستان قرن شانزدهم (Sixteenth-Century England)*، دیوید کانادین (David Cannadine)، عضو کالج مسیحی (Christ's College) کمبریج (Cambridge) و سردبیر نشریه *سیاستمداران، قدرت و سیاست در شهرهای قرن نوزدهم (Politicians, Power and Politics in Nineteenth-Century Towns)*، رویدون هریسون (Royden Harison)، استاد بازنشسته تاریخ اجتماعی در دانشگاه وارویک (University of Warwick) و نویسنده کتاب *تقسیم کار (Divisions of Labour)* و جی. سی. دی کلارک (J. C. D. Clark)، عضو پترهاوس (house Peter) و نویسنده کتاب *جامعه انگلیسی ۱۶۸۱-۱۸۳۲ (English Society 1688-1832)*.

۴. "We look into the past and inevitably write something about ourselves."

۵. جالب این‌که هابسبام نیز در مقاله‌ای پیشتر بدان اشاره کردیم، این تعریف را مطمح نظر دارد و آن را از تعاریف مهم تاریخ اجتماعی می‌داند. (see in Hobsbawm, 1971).

۶. از آنجا که این پژوهش در خصوص تعاریف مرسوم تاریخ اجتماعی در سده بیستم میلادی است، و در پی درک عمومی از تاریخ اجتماعی است، بحران هویتی تاریخ اجتماعی در سده بیستم و یکم کم‌تر مورد توجه قرار نگرفته است. برای آگاهی به این موضوع بنگرید به

Miguel A. Cabrera, *Postsocial History: An Introduction*, translated by Marie McMahon, Lexington Books; First Edition edition (February 7, 2005).

۷. برخی از مورخان مشهور تاریخ اجتماعی که در این مقاله معرفی شده‌اند: آسا بریگر (Asa Briggs)، جان ادوارد کریستوفر هیل (John Edward Christopher Hill)، رادنی هاوارد هیلتن (Rodney Howard Hilton)، اریک جی. هابزبام (Eric J. Hobsbawm)، پاتریک جویس (Patrick Joyce)، توماس پیتر رافائل لاسلت (Thomas Peter Ruffell Laslett)، هارولد پرکین (Harold Perkin)، آیلین پاور (Eileen Power)، رافائل الکان ساموئل (Raphael Elkan)، جوآن ترسک (Joan Thirsk)، کیث ویویان توماس (Keith Vivian Thomas) و ادوارد پالمیر تامپسون (Edward Palmer Thompson).

۸. در شوروی سابق کوشش شد تا مواردی از تحولات تاریخی با امیال سردمداران حزب کمونیست تطبیق یابد و در نتیجه طی «مباحثات لنینگراد» تاریخ محکوم شد تا از مراحل سه گانه بردگی، فئودالیسم و بورژوازی گذر کند: تاریخی کلی با قوانینی خدشه ناپذیر. برغم گذشت سال‌ها از فروپاشی شوروی سابق کماکان بر اساس دانسته‌های نگارنده—مهم‌ترین متن انتقادی فارسی در خصوص وقایع لنینگراد رساله مختصر محمدعلی خنجی است. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: خنجی، ۱۳۳۵.

۹. در نظرگاه هانا آرنت، "جنش‌های توتالیتیر از این لحاظ که در دنیایی فعالیت دارند که خود توتالیتیر نیست، مجبورند کاری کنند که ما معمولاً آن را به منزله تبلیغات می‌فهمیم." آرنت، ۱۴۰۰: ۱۲۹. در همین راستا رایش سوم اهمیتی فراوانی برای علم تاریخ در راستای بسط ایدئولوژی خود قائل بود و به همین سبب در سال ۱۹۳۳ میلادی «بنیاد پژوهشی مسئله یهود در مونیخ» (Münchener Institut zur Erforschung der Judenfrage) را تأسیس کرد. این موسسه خیلی زود به «بنیاد رایش برای پژوهش در تاریخ عصر جدید آلمان» (Reichsinstitut für die Erforschung Neuerer Deutscher Geschichte) مبدل شد و وظیفه آن ایجاد ساختارهای و رهیافت‌های در ظاهر علمی برای مسئله یهودیت بود. در این میان والتر فرانک (Walter Frank)

تأملی در «چیستی» و «ماهیت» تاریخ اجتماعی ۷۵

۱۹۰۵-۱۹۴۵) مورخ برجسته‌ای بود که در خدمت رژیم رایش درآمد و همانند پیشوا (Führer)

پس از سقوط آلمان خودکشی کرد. بنگرید به پیشین، ص ۲۲۸.

